

حکم عقل، در تظاهرات هفتم می

امیر فیض- حقوقدان

در تحریر تظاهرات هفتم ماه می (۲۰/۴/۲۰۱۷) ^۱ توضیحاتی درباره ارکان دعوت به تظاهرات داده شد و بنابر آن توضیحات، آن تحریر درخواست کرد که مسئولین تظاهرات روشن کنند که ایدئولوژی تظاهرات مورد نظر چیست، چرا که، دعوت از کسی که با ایدئولوژی و هدف و درخواست تظاهرات هماهنگ نیست عمل درستی محسوب نمیشود و نوعی اغفالگری است.

دومین درخواست تحریر آن بود که معلوم شود تظاهرات بوسیله یک واحد سیاسی با مشخصات باسابقه مدیریت میباید یا خلق الساعه است.

متأسفانه به این درخواست ها جواب روشنی داده نشد و نویسنده این تحریر با تحقیق در جوانب کار نتوانست با یک نظریه ثابت روبرو گردد و با آنکه گفته میشود که تظاهرات بوسیله یک سازمان خارجی مدیریت میشود ولی اینهم نتوانست که به حقیقت امر کمی باشد زیرا معمولاً دست اندر کاری خارجیان با چنین نابسامانی ها روبرو نیست.

مهمترین ضایعه

از آنجا که مبارزه ایرانیان خارج از کشور با جمهوری اسلامی چند قطبی است لااقل بر مبارزین فرض واجب است که بدانند تظاهرات به موقعیت قطبی بودن آنها مربوط هست یا خیر و این حداقلی است که هرکس خبر از تظاهرات به او میرسد اولین کنجکاوی او را زنده میکند.

در این حالت، هر قطب مبارزه به مرکز قطب خود رجوع میکند تا دچار اشتباه و یا اسباب سوء استفاده دیگران نشود. سلطنت طلبان هم که مترصد اقدام دبیرخانه نسبت به خبرها و شایعات متوالی ولی درهم و برهم بودند با بیانیه ای زیر نام «رضا پهلوی» روبرو شدند که متأسفانه نه تنها نتوانست آنها را بسوی حقیقت هدایت کند که با گنجی بیشتری هم مواجه ساخت که بعد از گذشت مدتی که مورد نقد هم قرار گرفت معلوم شد که بیانیه مزبور نادرست و مجعول بوده است، و پس از فشار زیاد سلطنت طلبان برای کسب اطلاع و هرج و مرج عجیب در افواه، دبیرخانه اعلیحضرت بیانیه ای بتاریخ دوم می صادر کرد که متن آنرا در زیر با تفاف میخوانیم:

> در پاسخ به پرسشی از سوی چندی از کنشگران و رسانه های فارسی زبان درباره فراخوانی که به نام

من برای برگزاری گردهمایی در برخی از شهرهای آمریکا و اروپا در روز هفتم ماه مه سال جاری در

فضای مجازی در حال انتشار است تاکید میکنم که این فراخوان از سوی اینجانب نبوده و چنین

تصور و ادعائی را رد میکنم<

۱۲ روز سرگردانی و سوء استفاده

چنانکه ملاحظه میشود از فاصله دعوت به تظاهرات که با طرح! قانون اساسی آینده کشور در کنگره آمریکا مطرح بود تا بیانیه اخیر دبیرخانه که متضمن اعلام نادرست و عدم توجه برنامه تظاهرات به شخص اعلیحضرت است ۱۲ روز گذشته است و این مدت برای سوء استفاده و قرار و مدارهای لازم و تفهیم نادرست به سلطنت طلبان و کسانی که واقعا مایلند با درک حقیقت تظاهرات، خود را آلوده سازند کافی است و بطور حتم بیانیه اخیر دبیرخانه، نه میتواند و نه کافی است که بتواند سیر حرکت تبلیغاتی تظاهرات را که در جهت انحرافی شکل گرفته است متوقف و یا از مسیر انحرافی خارج کند.

**** اجازه فرمائید در راستای اهمیت این کوتاهی ۱۲ روزه یک تشبیهی آورده شود:**

مرزبانان کشور با نگرانی پرسش میکنند که عده ای با لباس ارتش کشور و پرچم کشور و با ادعای اینکه حرکت ما به پایتخت بفرمان شاه است، تجمع کرده و یارگیری میکنند. (تهران= در تشبیه دبیرخانه) ۱۲ روز به این سوال و نگرانی پاسداران هویت ملی و مرز کشور اعتنائی ندارد و بعد از ۱۲ روز که مهاجمین همه نقاط مهم و لازم را تسخیر کردند و در یارگری بطرز متقلبانه ای همه یاران شاه را مصادره کردند آنوقت دبیرخانه یک بیانیه میدهد که حرکت آن یاغیان با اجازه شاه نبوده است.

**** هشیاری در مبارزه و یا حفظ مرزهای کشور و جلوگیری از توطئه ها لازم میسازد که پاسداران کشور از قبل از اینکه توطئه شروع شود، در جریان خنثی کردن آن قرار گیرند نه ۱۲ روز بعد که ریشه آن به همه جا دوانده شده است؛ از خواب خرگوشی بیدار شوند.^۲**

**** این جریان غفلت و خواب ۱۲ روزه یک نشانی کافی است که مبارزه ایرانیان خارج از کشور از هر تحولی در کشور و حتی در حول و حوش خودشان بی اطلاع و حتی بیشتربی علاقه هستند و بقولی >وقتی همه راسیل برد اینان را خواب میگیرد<.**

**** همین مورد علامتی از کار آرائی صفر شورای تجزیه طلبان که واقعا در حد یک فرد هم لیاقت و کاربری در مبارزه را ندارند.**

نگاه کنید از زمانی که شورای تجزیه طلبان مانند اختاپوس به شخصیت و اعتبار اعلیحضرت چسبیده است تا چه اندازه غیر قابل تصور به اعتبار و حیثیت سیاسی اعلیحضرت لطمه خورده است. این چیست جز همراهی شورای تجزیه طلبان با معاندین سلطنت؟

**** جریان توطئه نامه هشدار و بی توجهی و بی علاقگی دبیرخانه به اهانت ها و توهین های و اتهامات عدیده ای که به شخص اعلیحضرت داده شده نشان داد که هر مطلب و یا بیانیه ای بنام رضای پهلوی جعل**

کنند با هیچ مخالفتی روبرو نمیشود. در اینصورت چرا گروهی، تظاهرات هفتم ماه می را به اعلیحضرت منتسب نکنند؟! تا از این راه اعتباری به تظاهرات بدهند (مالی که اعراض شده هرکه تصاحب کند حق است برای او).

**** هر تظاهراتی که باماهیت مخالفت با جمهوری اسلامی باشد، یک کار مبارزاتی است اگرچه به جانبداری از تداوم حقانیت سلطنت نباشد، چنانکه در گوشه و کشورهای جهان غالباً ایرانیان خاصه مجاهدین خلق تظاهراتی براه میاندازند ولی هرگز دیده نشده است که آنها براه تقلب و تزویر اعلام کنند که تظاهرات مربوط به مشروطه خواهان است و یا شاهزاده (اعلیحضرت) در آن حضور خواهند یافت و یا بر منوال برخی روایات <اعلیحضرت طرفدار همه تظاهرات هستند> و انواع روایات دیگر که یکی هم این است که سرهنگ اویسی گفته است اعلیحضرت هم موافقت.**

ابتدال مشروطه خواهی

**** در میان روایات، روایت انتساب تظاهرات، به مشروطه خواهان با ابتدال بیشتری روبروست؛ زیرا مشروطه خواهی در فرهنگ سیاسی ملت ایران مشروطه سلطنتی است که سند آن قانون اساسی و متمم آن است؛ و اگر خواست تظاهرات مشروطه خواهی است نمیتواند این خواست منفک از تداوم مشروعیت قانون اساسی و متممات آن باشد و در این حالت، با توجه به اینکه رکن اصلی مشروطیت در حقوق اساسی ایران حقوق پادشاه است که ریاست قوه اجرایی و قضائی مشروطیت را دارا هستند لذا نخستین خواست منجز و قابل اعتبار، تظاهرات مشروطه خواهان رفع حصر سیاسی از شخص اعلیحضرت است که نماد هویت ملی و نماد مشروطیت ماست.**

**** تردید نیست که ماهیت تظاهرات هرچه باشد در مخالفت با رژیم غاصب جمهوری اسلامی است. از آنجا که مبارزه سیاسی بر محور جایگزینی و جانشینی، واجد مشروعیت میگردد لذا؛ وقتی تظاهرات با ماهیت مخالفت اساسی و وجودی با جمهوری اسلامی جریان میابد، آن جریان گویا و این مخالفت به معنای سلب مشروعیت از اسناد هویتی آن جمهوری غاصب است که در صدر همه آن اسناد باصطلاح قانون اساسی آن جمهوری است.**

در اینصورت پایگاه حقوقی تظاهرات باید حمایت از مشروعیت تداوم قانون اساسی و حقانیت آن باشد که سیر آن تداوم اجرایی، هم متمم قانون اساسی را سکولار و هم منطبق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل ساخته است. چرا تظاهرات از این موضع حقوقی و مشروعیتی جا خالی میکند اینجاست که تظاهرات را فارغ از منطق حقوقی و مشروعیتی میسازد و توجه رابه مواردی از قبیل فروش تظاهرات و کسب موقعیت نزد آمریکاییها نزدیک میسازد.

**** آنطور که شنیده میشود تظاهرات در برخی از شهرهای آمریکا و حتی اروپا برنامه ریزی شده است. همه ایرانیان دست اندر کار مبارزه سیاسی میدانند که ایرانیان خارج از کشور نه دارای چنین تشکیلات و سازماندهی هستند که جنبه جهانی داشته باشد و نه امکانات مالی آنها و بطور حتم خبرها مبنی بر اینکه یک سازمان خارجی آنها مدیریت میکند نزدیک به حقیقت است، در این صورت چرا کارگردانان ایرانی**

تظاهرات به راه تقلب و جعل به نام و مقام اعلیحضرت متوسل شده اند؟؟ آیا قدرت مالی واداری و مدیریت آن تشکیلات خارجی کافی نیست برای انجام یک تظاهرات؟ خیر کافی نیست.

همین کافی نبودن، دلیل قاطعی است که هر حرکتی که برپایه های حاکمیت مردم، فرهنگ و منش مردم ایران قرار حرکت داشته باشد باید از قدرت معنویت شاه انرژی حرکت و مقاومت بگیرد والا هیچ است به همین دلیل، سردمداران تظاهرات با همه حمایت مالی و تشکیلاتی آمریکا یا هر کشور دیگری معهذا خود را متقلبانه به خزانه انتظار و گرایش ملت به شاه و سلطنت زده اند زیرا میدانستند که بدون تجهیز به نام شاه ول معطلند.

به عقل بیائیم

ملاحظاتى که هم اکنون به اشاره بعرض خوانندگان محترم این تحریر و بیشتر دست اندرکاران تظاهرات میرسد ملاحظات پوشیده ای نیست همگان از آن آگاهند ولی شاید برداشت از آن در مسیر عقل و برداشت عقلانی قرار نگرفته باشد.

در جریان توطئه نامه هشدار که با هدف خرد کردن اعتبار اعلیحضرت در پهنه های رسانه ای همراه نامداران! سلطنت طلبی جریان یافت و حتی رسانه های معروفی نیز به حمایت از آن برخاستند و متقابلا معارضه متناسبی با این هجوم به اعتبار و شخصیت اعلیحضرت بروز نیافت و حتی شورای تجزیه طلبان اعلیحضرت هم عملا با سکوت خود به آن تهاجمات دامنه حقانیت داد و حتی دیدیم که یکی از همین سردمداران تظاهرات هفتم ماه می هم اعتراضی به آن جریانات نکردند و در واقع نقش هواداران درجه دوم را بازی کردند، معهذا اکنون برای راه اندازی تظاهرات ناچار شده اند که متمسک و متوسل به نام رضا پهلوی شوند همان نامی که تمامی اتهامات و فحاشی های در فرهنگ چهارپاداران را متوجه ایشان کرده اند. چطور میشود کسانی نماد هویت ملی را خائن و لایق تف بدانند ولی همان اشخاص و طرفدارانش در تظاهرات متمسک به نام و موقعیت او بشوند؟؟

این حقیقت نشان میدهد که عقل، همه آن تهاجمات به اعلیحضرت و سکوت ایرانیان را محکوم میکند و فرمان میدهد که در راه نجات ایران موانع و محظورات و تحریم های سیاسی را از مقابل نمادهویت ملی برداریم و به اعتبار و شخصیت و مقام سیاسی او، حکم عقل را اجرا کنیم که عقل میگوید:

غیر از او نیست چراغی که توسل جوئیم